

ایران و توطئه انگلیس از نگاه "کارل مارکس"

۳۰ اکتبر ۱۸۵۶

ترجمه از فرانسه "حمید محوی"

از این شماره مقالاتی را می خوانید به قلم "کارل مارکس" فیلسوف و اندیشمندی که جهان آینده را با تئوری های علمی خود ترسیم کرد و میراث "مارکسیسم" را از خود، برای بشریت باقی گذاشت. این سلسله مقالات را از متن فرانسه، "حمید محوی" ترجمه کرده است.

"اعلان جنگ انگلستان علیه پارس(الف)، یا بطور مشخص کمپانی هند شرقی، در واقع یکی از ترفندهای ماهرانه و ماجراجویانه ی سیاست خارجی ی انگلیس در آسیاست که به مدد آن، تا پیش از این نیز، تصرفات خود را در این قاره گسترش داده بود. به محض اینکه کمپانی هند شرقی روی هر یک از دولت های حاکم و مستقل و یا هر منطقه ای که واجد منافع سیاسی و تجاری و طلا و ثروت است، نگاهی طمعکارانه میاندازد، قربانی فوراً به نقض واقعی و یا خیالی این و یا آن قرار داد متهم می شود. قربانی متهم می شود که عهدنامه و یا قرار دادی را زیر پا گذاشته و یا مرتکب اهانتی ابهام انگیز شده است. و دیری نمی باید که جنگ علیه او اعلان می شود.

اخبار دائمی در باب محور شرارت، به افسانه ی گرگ و گوسفند می ماند، که تاریخ انگلستان را به خون آغشته می سازد. انگلیس در طی سالیان متمادی در فکر تصرف موقعیت مناسبی در خلیج فارس بود و به طریق اولی به جزیره ی خارک که در بخش شمالی ی این آبها واقع شده است چشم طمع دوخته بود. سر جان مکلم (۱) مشهور که چندین بار به مقام سفیر در پارس گماشته شده بود و بدون وقفه در مورد این جزیره در انگلستان تبلیغ می کرد، در این پندار بود که این جزیره قابلیت آن را دارد تا به یکی از مراکز شکوفا و پر رونق تبدیل شود. از این جهت که در مجاورت بوشهر، بندر ریگ(۲)، بصره (۳)، و ال ختیف (۴) است. و انگلستان از هم اکنون جزیره و بوشهر را تحت تصرف خود دارد. سر جان این جزیره را به عنوان نقطه ی مرکزی، جهت روابط بازرگانی با ترکیه، عربستان و پارس تصور می کرد. جزیره ای که آب و هوای مناسب و واجد تمام خصوصیات سرزمینی مستعد و شکوفان است. در این دوران، سفیر کمی بیش از سی و پنج سال دارد و غالباً نظریات و مشاهداتش را تحت نظارت لرد مینتو(۵) که والی شهر است به تحقق می رساند و هر دو در پی اجرای طرح مشترکی هستند.

سر جان جهت اشغال جزیره به فرماندهی ی لشگری گماشته شده بود و می بایستی بطور عاجل حرکت می کرد، ولی به او دستور می رسد که به کلکته بازگردد. به این ترتیب سر هارتفورد جان(۶) را به نیت ماموریت دیپلماتیک به پارس اعزام می کنند. در طول اولین محاصره ی هرات توسط پارسیان در سالهای ۱۸۳۸-۱۸۳۷ بر اساس همان بهانه های تردید آمیزی که گویی از این پس مدافع حقوق افغان هاست، یعنی همان قومی که با آن رابطه ی مودت آمیز مرگباری داشته است، جزیره ی خارک را تصرف می کند ولی به علت شرایطی خاص و بطور مشخص به علت دخالت روسیه، مجبور می شود طعمه ی به چنگ آورده اش را رها کند. تلاشی که اخیراً دوباره تجدید شد، پیروزی های پارس در هرات بود که این بهانه را بدست انگلیس داد که شاه پارس را به عدم حسن نیت نسبت به او متهم کند و جهت پیمودن نخستین گامها بسوی اعمال خشونت، جزیره را به اشغال خود درآورد. بنابراین مشاهده میکنیم که در طول نیم قرن، انگلستان سعی کرد تا تسلط خود را در دربار پادشاهان امپراتوری فارس تثبیت کند ولی موفقیت چندانی نصیبش نشد. چنین پادشاهانی، با اینحال

هیچگاه فریب تملق گویی های دشمنانشان را نمی خوردند و اغلب، از هماغوشی های خائنانه روی برمی گرداندند، چرا که از رفتار انگلیسیها در هند آگاه بودند. فارس ها جمله ی فتحعلی شاه را بسال ۱۸۰۵ بخاطر می آورند که می گفت: « به پیشنهادات کشوری تاجر و حریص که جان آدمیزاد و تاج پادشاهی را معامله میکند، نباید اعتماد کرد.» در تهران پایتخت پارس، نفوذ انگلستان در پائین ترین درجه است، زیرا اگر توطئه های روس ها را بحساب نیاوریم، فرانسه از موقعیت ممتازی برخوردار است، و از این سه گروه دزد دریایی و راهزن، بریتانیا همان کسی است که پارس باید از او بیش از همه بترسد. درحال حاضر، سفیری از جانب پارس بطرف پاریس حرکت کرده است، و شاید هم که تا کنون به آنجا رسیده باشد. درباره ی مشکلاتی که در پارس روی داده است، قویا محتمل است که موضوع مذاکرات دیپلماتیک باشد. در واقع، فرانسه نسبت به اشغال جزیرای در خلیج فارس بی اعتنا نیست. این مسئله به شکل حادثی مطرح می شود، از این جهت که فرانسه برخی مدارک را بیرون می کشد که بر اساس آن گویی خارک توسط پادشاهان پارس به او واگذار شده است. اولین بار در سال ۱۷۰۸ در عصر لوئی ی چهاردهم و دومین بار در سال ۱۸۰۸. در واقع این مورد یاد شده، مربوط به واگذاری ی چند امتیاز و حق بهره برداری مشروط بوده است ولی همین کافی بود تا جانشینان لوئی ی چهاردهم که به اندازه ی کافی ضد انگلیسی بودند، حقوق خود را روی این جزیره مطالبه کنند. اخیرا روزنامه ی انگلیسی (۷) در پاسخ به روزنامه ی فرانسوی (۸) بنام انگلیس از حق هر گونه دخالت قدرت طلبانه در اروپا به نفع فرانسه صرفنظر میکند ولی رسیدگی به امور آسیا و آمریکا را در تعلق ملت انگلیس میداند و هیچ قدرت دیگری حق دخالت در آن را ندارد. با اینحال می توان تردید داشت که لوئی بناپارت چنین تقسیم بندی را به رسمیت شناخته باشد. در هر صورت سیاست خارجی فرانسه در تهران، در جریان آخرین منازعات انگلیس و پارس، با بی رغبتی از انگلیس پشتیبانی کرد، و از این جهت که مطبوعات فرانسه چنین مدارکی را بیرون کشیده بودند و دعاوی «گل» ها (۹) را بر خارک مطرح می کردند، پیش بینی می توان کرد که انگلیس حمله به خارک و تجزیه فارس را بازی ی ساده ای تلقی نکند.

توضیحات مترجم

الف: در متن نام کشوری که امروز بنام ایران می شناسیم به شکل Perse نوشته شده است.

واژگان لاتین

۱- Gaul نام قدیمی فرانسه. گل ها در اینجا به مفهوم فرانسوی ها است

۲- Sir John Malcolm

۳- Bender-Rig

۴- Bassora

۵- El-Katif

۶- lord Minto

۷- Jones Sir Hartford

۸- London Times

۹- des débats Journal

راه توده ۱۳۱ ۳۰,۰۴,۲۰۰۷